

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:
احسان صالحی

• سردبیر:

حسام الدین برومند

امام کاظم (ع)؛

خداوند در زمین بندگانمان دارد که برای برآوردن نیازهای مردم می کوشند؛ اینان ایمنی یافتگان روز قیامت‌اند.



سخن روز

الکافی: ج ۲، ص ۱۹۷

نگاره

موج گرمای تابستان



طراح: حمید صوفی

فضای مجازی

واکنش هنرمندان به درگذشت سعید راد

گروهی از بازیگران و هنرمندان با انتشار استوری هایی در اینستاگرام نسبت به درگذشت سعید راد واکنش نشان دادند. پژمان بازی، در استوری اینستاگرامش تصویری دوفرمان را با سعید راد را برای عرض تسلیت منتشر کرد. بازی در این استوری نوشت: سعید خان راد، همیشه در قلبم خواهی ماند، یادتان گرمای و مسیرتان پر نور. بهرام رادان استوری جدید خود را در صفحه اینستاگرام منتشر کرد و نوشت: ستاره‌ای خاموش شد.

الهام پاوه‌نژاد هم با انتشار تصویری از مرحوم راد با این ضایعه همدردی کرد. علی ضیا نیز استوری اینستاگرامش را به این رخداد اختصاص داد و این ضایعه را به ایران و خانواده این هنرمند تسلیت گفت. فریبرز عرب‌نیا هم با انتشار پستی در اینستاگرام نوشت: سعید راد، بازیگر مطرح سینمای کشورمان پس از یک دوره بیماری درگذشت. در اندوه نبود ایشان، با خانواده گرمای و بستگان و همکاران وی خود را هم‌درد می‌دانم و برای‌شان آرامش و بردباری آرزو دارم.

علاوه بر این فریبا کوثری، حامد بهداد و احمد ایرانمنش هم پست‌ها و استوری‌هایی را به یاد این بازیگر پیشکسوت منتشر کردند. ابراهیم حاتمی‌کیا که در فیلم سینمایی «چ» با سعید راد همکاری داشت، در پی درگذشت این بازیگر قدیمی گفت: سعید راد را در فیلم «چ» در نقش تیمسار فلاحی بیشتر شناختم.

او بازیگری حرفه‌ای بود که بدون هیچ حاشیه‌سازی و با علم به نقشی که به او پیشنهاد شده بود، پذیرفت در این پروژه با ما همکاری کند، البته با توجه به شناختی که از سعید راد داشتم، دوست داشتم همیشه شاداب و سرحال با مخاطبانش روبه‌رو شود و طبیعت است که باور کنیم خودش ترجیح داده بود این روزهای ناخوشی‌اش در بوق و کرنا نباشد و تصویر یک بازیگر استوار در ذهنمان برای همیشه باقی بماند.

مجری جنجالی در آکادمی گویندگی

مجری پرحاشیه برنامه «سلام صبح به خیر» که مدتی از تلویزیون فاصله گرفته بود با کاری جدید به این رسانه بازمی‌گردد.

ژیلا صادقی که پیش از این به دلیل اظهارنظرها و واکنش‌هایش در برنامه «سلام صبح به خیر» در شبکه‌ی سه، چندباری حاشیه‌ساز شده بود در صفحه رسمی خود اعلام کرد با کار جدیدی در راه بازگشت به تلویزیون است.

ژیلا صادقی در استوری خود از برنامه جدیدش با نام «سلام مجری» خبر داد. با اینکه جزئیات زیادی از این برنامه منتشر نشده است، گویا قرار است این برنامه اولین آکادمی اجرا و گویندگی مختص افراد مستعد در این رشته باشد.

توضیحات جدید درباره تب دنگی

دکتر کرمانپور در صفحه مجازی‌اش توضیحات جدیدی درباره تب دنگی داد و نوشت: سؤال بسیاری این است که چرا تب دنگی فقط و فقط با پشه آندس منتقل شده و هیچ پشه دیگری نمی‌تواند ناقل این بیماری باشد؟ تلاش کردم با یک مثال ساده، علت این موضوع را روشن کنم.

درست مثل ویروس کرونا که از طریق انتشار ذرات ویروس در هوای تنفسی منتشر می‌شود. بنابراین اگر در شهر شما پشه آندس نیست نگران نباشید، اما به محض پیدا شدن سر و کله این پشه خط خطی (ببری یا پلنگی) دیگر باید مراعات کنید. از تجمع آب راکد در حیاط، پای گلدان‌ها و کنار حوضچه‌ها خودداری کنید!

دم صبح و دم‌دمای غروب در فضای باز نخواهید مگر در پشه بند. پنجره‌ها را با توری فلزی یا پارچه‌ای بپوشانید. از اسپری ضد پشه در مواقع لزوم استفاده کنید.

اگر قصد سفر به مناطقی دارید که آندس هست، از لباس پوشیده یا پمادهای ضد پشه روی محیط باز بدن استفاده کنید آن هم فقط در طول روز! پشه عادت دارد با غروب هوا در گوشه‌ای بی‌تحرك شود مگر در نور و حرارت مصنوعی زیاد.

اقدام تحسین برانگیز یک کارگردان

سعید سهیلی که فیلم جدیدش با عنوان «پول و پارتی» از امروز (سوم مردادماه) روانه اکران می‌شود در اقدامی تحسین برانگیز فیلم کارگردان دیگری که همزمان نمایش عمومی آن هم آغاز می‌شود تبلیغ کرده است. او از دنبال‌کنندگان صفحه اینستاگرامش خواسته برای تماشای فیلم «ساعت ۶ صبح» مهران مدیری به سینماها بروند.

در «پول و پارتی» ساعد سهیلی، پردیس احمدیه و امیر جعفری حضور دارند. «ساعت ۶ صبح» که از آن به عنوان یک اثر ملتهب اجتماعی یاد شده نیز سال قبل متقاضی شرکت در جشنواره فجر بود ولی مجوز نمایش نگرفت و به فهرست هیأت انتخاب جشنواره راه پیدا نکرد. سمیرا حسن‌پور، مهرداد صدیقیان، مونا فرجاد، مهران مدیری، تینو صالحی و... بازیگران این فیلم هستند.

نقل قول

دیگر برای تئاتر به معنای واقعی سرو دست نمی‌شکنند

«سلیقه بیننده تئاتر عوض شده است. آثار کلاسیک یا جدی که ذهن و اندیشه را به چالش بکشد دیگر خریدار ندارد. دیگر برای تئاتر به معنای واقعی سر و دست نمی‌شکنند.»

«برای «هملت»ی که در ۲۹ سالگی بازی‌اش کردم، تماشاگر در و پیکر تئاتر شهر را می‌شکست و به سالن ۵۰۰ و خرده‌ای نفره، یکپه‌زار و خرده‌ای تماشاگر هجوم می‌آورد. اما الان سلاقی تغییر کرده و به شبه‌نمایش‌های بی‌سر و ته امروز که به گمانم باعث و پائیش عوامل بسیاری هستند که شمردن‌شان از حوصله خارج است «تئاتر» می‌گویند.»

«مهم‌تر از همه، بی‌گمان در مخپله‌ام هم نمی‌گنجد که بازیگر آنگونه آثار یک شبه به کارهایی روی بیاورد که به کفر ابلیس هم نمی‌آزد. ترجیح می‌دهم هر چند سال یک‌بار به صحنه بروم و حرفی را بزنم که حرف روزگاری باشد که در آن زیست می‌کنم و مخاطب از دیدن آن لذت ببرد و به چالش کشیده شود.»

«در عصری که شرایط اجتماع و مخاطبی که دیگر وقعی برای آثار ارزشمند نمی‌گذارد، به گمانم باید نسل جدید را برای آثار و تئاتری پویا و سازنده که بی‌خاصیت نباشد، پرداخت، آموزش داد و تربیت کرد.»



گفت‌وگوی ایران تئاتر با میکانیل شهرستانی

نگاه

مرثیه‌ای برای سعید راد؛ قهرمان ناتمام سینمای ایران

سینمای دهه ۱۳۶۰ قرار بود بی‌قهرمان و ستاره باشد، چراکه سینما بر مدار تکرار الگوهای سینمای طاغوت نمی‌گردید، اما مگر سینما بدون قهرمان چرخش می‌چرخد؟ سینما در ذات خود به قهرمان نیاز دارد تا تماشاچی را به سالن بیاورد. در آن سال‌ها دو فیلم عقابها و آشتنا و دیگری نسبتاً ناآشنا برای عموم و با چهره‌ای تازه. سعید راد و جمشید هاشم‌پور. این دو بازیگر در قد و قواره و خواست تماشاگر سینما، واجد خصوصیات قهرمان بودند.

سعید راد با چهره‌ای مردانه و چشمانی نافذ و قدی بلند و جمشید هاشم‌پور نیز با سری تراشیده و اندامی ورزشکاری در نقش‌های شرور ولی با چهره‌ای دوست‌داشتنی. اما سعید راد ماجراجوی دیگر داشت. او بازیگری تثبیت شده در سینمای ایران بود و پیش از عقابها دست‌کم در ۳۰ فیلم بازی کرده بود که چندتایی هم در زمره سینمای موج نو بود.

او از جمله بازیگران عصر جدید سینمای ایران پس از موج نسو‌اخر دهه چهل بود که چهره تازه‌ای از قهرمان طبقه متوسط و حتی قهرمان شکست‌خورده شهری را در سینمای ایران نشان داد. «خداحافظ رفیق» و «تنگنای امیرناردی و «صبح روز چهارم» کامران شیردل و «صادق کرده» ناصر تقوایی و «سفر سنگ» مسعود کیمیایی، سعید راد را به عنوان بازیگر جدی سینمای ایران معرفی کرد. در سینمای ایران در ادوار گوناگون، قهرمان از میان افشار جامعه انتخاب می‌شد.

با سینمای موج نو قهرمان سینمای ایران، گاهی آدم‌های له و لورده و درب و داغون جنوب شهری بودند و گاهی نیمچه روشنفکران دانشگاه رفته یا از فرنگ برگشته و میان جامعه سنتی درآمده که با قهرمان‌های سینمای فیلمفارسی ماهیتا متفاوت بودند.

این شکل متنوع از قهرمان در سینمای ایران که باید آنها را قهرمانان غیراستوره‌ای بدانیم، در سینمای بعد از انقلاب اسلامی در شکل روستاییانی که علیه ظلم ارباب برخاسته‌اند یا مبارزانی که از دست ساواک فراری بودند و حتی کارمندانی که با دشواری از پس خرج و مخارج زندگی برمی‌آمدند تصویر دیگری را در سینما به تماشاگر نشان داد.

اما با شروع جنگ تحمیلی، قهرمانانی که رزمندگان بی‌ادعا و با ایمان بودند و با دست خالی جلوی دشمن یعنی می‌ایستادند و تا شهادت پیش می‌رفتند، قهرمان تراز و مورد قبول جامعه بودند، چراکه مردم جامعه با دیدن شهدا و تصاویر مستند از جنگ که در اخبار جلوی چشمشان بود، در انتظار قهرمانی از دل همان آدم‌ها

عکس نوشت



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



روح آدمی ممکن است با یکی از این سه ویران شود: با آنچه دیگران در حق تو می‌کنند با آنچه دیگران وادارت می‌کنند در حق خودت بکنی و با آنچه خودت داوطلبانه با خودت می‌کنی.

برشی از کتاب «سیاهوی زمان»

یادداشت



بوی المپیک

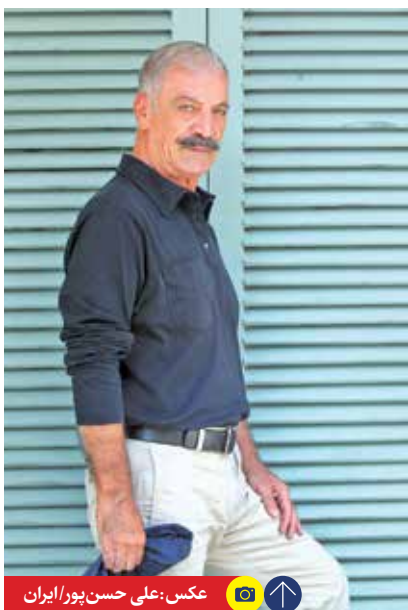
محمدحسین نعمتی / برای ما ورزش دوست‌ها المپیک جشنواره شادی و هیجان است. المپیک قله ورزش است. اصولاً تماشاچی قله‌ها همیشه هیجان‌انگیز است به خصوص اگر کمتر اتفاق بیفتد.

اما فقط ورزشکاران نیستند که چهار سال منتظر می‌مانند تا با تلاش به المپیک برسند. این دو هفته برای کسانی که درام رقابت، خونشان را به غلیان درمی‌آورد مثل یک سفر تفریحی جذاب است.

برای عده‌ای رقابت دو مورچه بر سر دانه‌ای کوچک هم دیدنی است. حالا فکر کنید چقدر منتظر می‌مانند تا رقابت انسان‌هایی را ببینند که سال‌ها ممارست و وزیدنه‌اند تا خودشان را در آزمون‌هایی قرار دهند که شاید تنها چند دقیقه یا حتی چند ثانیه طول بکشد. المپیک میدان ثانیه‌ها، سانتیمترها و گرم‌هاست. به قول هادی عامل آرزوگاره دانه درشت‌ها. شاید کسانی که اولین بار المپیک نوین را در آغاز قرن بیستم پایه‌گذاری کردند هیچ‌گاه فکر نمی‌کردند زمانی برسد که کشورها المپیک را جایی برای نشان دادن فرهنگ، مذهب، اجتماع و... ببینند. احتمالاً آنها به جشنواره‌ای ورزشی که نمایانگر صلح جهانی بود می‌اندیشیدند. به نظرشان نمی‌رسید صدسال بعد حکومت‌ها برای آنکه پرچم کشورشان در این جشنواره بالا رود چه پول‌هایی هزینه کنند. حالا المپیک دیگر صرفاً یک جشنواره ورزشی نیست. محل قدرت‌نمایی دولت‌هاست.

رتبه کشورها در جدول مدالی پایانی مانند «ضرب جینی» و شاخص «امید به زندگی» اهمیت دارد. المپیک حالا برای اکثریت دنیا رویدادی حیثیتی است. ورزشکاران تنها قدرت، سرعت، چالاکی، هوش و فیزیک خود را به میدان نمی‌آورند. آنها نماد هر کشور هستند. پیروزی آنها پیروزی یک کشور و شکستشان، شکست کشورشان است. حالا دیگر چیزی به این جشنواره حیثیتی باقی نمانده. بوی المپیک از پاریس به مشام می‌رسد. نزدیک به ده هزار ورزشکار، نماینده هشت میلیارد انسان روی زمین هستند و برای دو هفته گرد هم می‌آیند تا سرحد تلاش خود عرق بریزند، زور بزنند و بدون تا افتخار را به مردمشان هدیه دهند. اما آیا در المپیک همه چیز گرفتن مدال طلاست؟ معروف است همه چیز برای برنده و هیچ چیز برای بازنده. اما فقط ۳۴ مدال طلا در المپیک قبلی توزیع شد. پس یعنی بقیه بازنده هستند؟ به داستان‌های المپیک که نگاه می‌کنیم افراد بسیاری بودند که هیچ مدالی دریافت نکردند اما در تاریخ المپیک جاودانه شده‌اند.

«جان استیون آکواری»، نماینده کشور تانزانیا در دوی ماراتن بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۶۸ بود. او در بین کیلومتر ۱۹ و ۲۰ مسابقه به سختی به زمین خورد و آسیب جدی دید. پس از بانداژ و آسیب دیده به دودین ادامه می‌داد. در راه گاهی می‌ایستاد و دست روی پای آسیب دیده می‌گذاشت و باز به دودین ادامه می‌داد. ساعت ۷ شب بود که تماشاچی‌ها در حال ترک استادیوم بودند اما با صدای آژیر و چراغ پلیس متوجه ورود جان استیون آکواری به استادیوم شدند. تماشاچی‌های باقی‌مانده در استادیوم تا جایی که می‌توانستند استیون را تشویق می‌کردند. او پس از ۳ ساعت و ۲۵ دقیقه و ۲۷ ثانیه از زمان آغاز مسابقه از خط پایان گذشت. جان در پاسخ به پرسش خبرنگاری که دلیل اصرارش بر تمام کردن مسابقه را جویا شد، گفت: «فکر نمی‌کنم شما درک کنید. کشور مرا ۵۰۰۰ مایل نفرستاده که مسابقه را شروع کنم، مرا ۵۰۰۰ مایل فرستاده که مسابقه را تمام کنم.»



عکس: علی حسن‌پور / ایران

سینمای ایران قهرمانی را از دست داده است که می‌توانست بخشی از خواسته‌های مخاطب را روی پرده سینما تأمین کند.

سعید راد در سریال‌های تلویزیونی مانند در چشم باد، سرزمین مادری و گیلدخت بازی کرد و با قهرمان فاصله داشت. حتی در فیلم «چ» هم در نقش شهید فلاحی، نه قرار بود و نه می‌خواست قهرمان باشد که قهرمان فیلم از پیش معلوم بود.



مراسم سنتی مذهبی ششوی حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) با عنوان سفره برکت با حضور افشار مختلف مردم در حسینیه موسی بن جعفر (ع) شهر بزرگ از توابع شهرستان کاشان برگزار شد. در این مراسم سنتی، زنان هفت کاسه یا بشقاب از آجیل یا تنقلات محلی را در محفله مسی روی سر می‌گذارند و به مسجد محله صلی اوزه و در سفره‌ای که در مسجد بهن می‌شود، می‌چینند. پس از سفره‌آرایی و مزین کردن سفره به تنقلات نظیر گردو، بادام، کشمش، نخودچی و... که از محصولات باغات بانیان نذر است با قرأت سوره مبارکه بیس سفره را متبرک می‌کنند و در روضه‌خوانی به عزاداری می‌پردازند و در نهایت آجیل‌ها را بین حاضرین تقسیم می‌کنند. مردم بزرگ معتقدند با برگزاری باغات‌شان پر خیر و برکت می‌شود.

عکس: حمید عابدی / ایران